



ما خیلی داداشیم!



وقتی می بینم بعضی از خواهر و برادرها توی خونه و خانواده شون
قدر هم رونمی دونن و همش سر چیزای کوچیک دعوا و ناراحتی راه
می اندازن، خیلی ناراحت می شم. می دونین بچه ها داشتن خواهر یا
برادر هیچ فرقی نمی کنه، مهم اینه که چقدر بتونین همه وقت و همه جا
باهم خوب و قشنگ کنار بیاین و در کنار خانواده تون زندگی کنین. مهربون بودن
و هوای هم رو داشتن خیلی مهمه. به نظر من که یه برادر بزرگ تر از خودم دارم و اندازه
آسمونا دوستش دارم، برادر داشتن یا خودمونی تر بگم داشتن داداش، حُکمِ یه پشتیبانِ نزدیک و
راحت رو داره که باهیچی عوضش نمی کنم. نه، اشتباه فکر نکنین. منظورم از کلمه ی راحت، کم اهمیتیت
نیست؛ منظورم یه پشتیبان با ارزش و قویه که در دسترسه و همیشه ازم حمایت می کنه. حُب برای
اینکه بفهمید ما دوتا چقدر داداشیم بیاین خونه مون.

اسم من محمد صالح کیایی فر است. امسال رفتم پایه
پیش دو و اسم مدرسه ام امام حسین (ع) است. اسم
داداشم امیر علی است که کلاس سومه و نه سالشه. ما
خیلی با هم داداشیم! من که این حرف رو می زنم، بابا و
مامانم می گن بگو ماشاءا...!



من خیلی به رشته ورزشی ژیمناستیک علاقه مندم
و تمام تابستونم رو در ورزشگاه آستان قدس
گذروندم.

